

مطالعه نسبت پوشش و امر جنسی با استفاده از رویکرد کیفی (نظریه مبنایی)

فرشته هدایتی،* سوسن باستانی**

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۸/۰۷/۱۵)

چکیده: از دلالت‌های اصلی وجوب حجاب اسلامی در آرای فقهی استحکام بنیان خانواده و جلوگیری از بی‌بندوباری و هیجان‌های جنسی و ارزش و احترام و جلوگیری از ابژگی زن ذکر می‌شود، با توجه به اهمیت ابعاد جنسی مساله پوشش، در این پژوهش با اتکا به رویکردی استقرایی در بستر پیچیده و متلاطم و متناقض موجود در زمینه پوشش که هنجارهای نانوشته و مقررات رسمی آن را تنظیم می‌کنند، دریافت زنان و مردان از نسبت حجاب و امر جنسی مطالعه شده است. پژوهش با استفاده از نظریه مبنایی انجام شد. داده‌ها به وسیله مصاحبه عمیق و مشاهده مستقیم جمع‌آوری شدند. جمعیت هدف مطالعه را مردان و زنان ۲۵ تا ۴۰ ساله ساکن تهران تشکیل می‌دهند و نمونه‌ها شامل ۱۶ زن و ۸ مرد هستند که بر مبنای نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند.

بر اساس نتایج پژوهش، مضمون اصلی که توضیح‌دهنده رابطه حجاب و سکسوالیته باشد "انواع مواجهه با امر جنسی" نام‌گذاری شد. نحوه تجربه امر جنسی، نگرش به امر جنسی و جذابیت‌های جنسی، تفسیرهای افراد را حول رابطه حجاب و سکسوالیته شکل می‌دهد که همین امر خود تحت تاثیر عوامل علی و زمینه‌ای قرار دارد. به عبارتی عوامل علی از قبیل تغییرات اجتماعی، ویژگی‌های حجاب اسلامی و تبعیت از همسالان و عوامل زمینه‌ای اعم از میزان تعلق مذهبی، تربیت خانوادگی، موقعیت جغرافیایی، آنومی نشانه‌شناختی و جامعه مردسالار بر مواجهه افراد با امر جنسی تاثیرگذار است. از پیامدهای تنوع در مواجهه با امر جنسی، تفاوت در معیارهای انتخاب پوشش، طبقه‌بندی تیپ‌های

fereshtehedayati@gmail.com

sbastani@alzahra.ac.ir

*. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

** استاد دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)

مجله جامعه‌شناسی ایران، نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۵۴-۷۷

پوششی بر اساس درک و دریافت از سکسوالیته، دیگری‌سازی و قضاوت‌های اخلاقی است. استراتژی‌هایی که افراد برای اداره پوشش خود و مسائل مربوط به آن اتخاذ می‌کنند، هم‌نوایی با تعاریف موجود و یا بازاندیشی در مفاهیم غیرت و حجاب است.

مفاهیم اصلی: ابژه، حجاب، سکسوالیته، نظریه مبنایی.

مقدمه و بیان مسئله

حجاب، پس از انقلاب اسلامی همواره یکی از مسائل نظام سیاست‌گذاری و اجرایی حوزه فرهنگ بوده است و امروز با حذف بی‌حجابی از حوزه عمومی - بی‌حجابی به‌معنای نداشتن پوشش سر در حوزه عمومی - بدحجابی به‌عنوان آسیبی اجتماعی که خود منجر به آسیب‌های دیگر اجتماعی (کاهش امنیت اجتماعی، تعرض جنسی، متزلزل ساختن بنیان خانواده و ...) می‌شود، همواره محل بحث بوده‌است. تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه مسئله پوشش و در نگاه دینی به‌مسئله حجاب صورت گرفته است که همین امر خود نشان‌دهنده اهمیت موضوع و ماهیت پروبلماتیک آن در سطح جامعه است. در پژوهش‌های انجام‌شده مسئله پوشش از ابعاد مختلفی مثل نحوه پوشش به‌مثابه سبک زندگی یا مقاومت در زندگی روزمره، دلالت‌های معنایی کدهای پوششی مختلف و تصور زنان نسبت به مسئله حجاب مورد مذاقه قرار گرفته‌است. با همه این‌ها مناقشات در این زمینه هنوز پابرجاست و هرچه پیش‌تر می‌رویم شاهد گسترش روزافزون شکاف بین سیاست‌گذاری‌ها و آنچه در سطح جامعه اتفاق می‌افتد هستیم. طبق شواهد تجربی در باب مسئله پوشش بعد از انقلاب با دو نکته مواجهیم: (۱) مساله حکومت صرفاً بی‌حجابی یا برهنه بودن بخش‌هایی از بدن نیست بلکه اعضای بدن حتی وقتی کامل پوشیده باشند اما شکل خود را نمایان کنند مصداق بدحجابی به‌شمار می‌روند. (۲) یک‌دستی نسبی حاکم بر پوشش و فراگیری پوشش مانتو و شلوار و حذف دیگر مصادیق رایج حجاب در کشورهای اسلامی مثل بلوز و دامن‌های بلند. در اینجا حذف دامن به‌عنوان پوششی مشخصاً زنانه که در شکل بلند خود مشکل‌نمایی شکل پا را ندارد نیز جالب توجه به‌نظر می‌رسد (آروین، ۱۳۹۷).^۱

در چند سال اخیر بعد از تجربه کنترل‌های رسمی و گشت ارشاد، شاهد بیلبردهای تبلیغاتی حجاب عموماً با سه رویکرد متفاوت در سطح شهر هستیم:

الف- دسته اول تاکید دارند چادر لباس ملی ماست.

ب- دسته دوم با نگاه ارزش‌گذارانه دینی سعی در قدسی‌سازی مسئله حجاب و پوشش چادر دارند.

1. <http://baharvin.ir/archives/>

ج- دسته سوم با کنار هم قرار دادن مفاهیمی مثل عفت و حیا و غیرت مردانه سعی در القای پوشش چادر به مخاطب دارند.

تبلیغات دسته سوم با استفاده از مفاهیمی مثل عفت و حیا و جلوگیری از تحریک جامعه به‌عنوان کارکردهای حجاب، که دارای بار جنسی-جنسیتی هستند به‌نوعی بر حجاب همچون کرداری جنسیتی تأکید می‌کنند. همچنین مرتبط ساختن وضعیت حجاب در سطح جامعه با تعرض‌های جنسی از سوی تریبون‌های رسمی بیانگر نوعی رابطه علت و معلولی بین این دو امر است که اشاره به‌سویه جنسی-جنسیتی مسئله حجاب دارد.

نتایج پژوهش قنبری (۱۳۸۵) نشان می‌دهد گفتمان حجاب در نظام جمهوری اسلامی تبدیل به کرداری جنسیتی شده است به‌این معنی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در تلاش برای اسلامی نمودن جامعه و پاکسازی جامعه از مظاهر غربی، کردارهای جنسیتی و هر آن‌چه مرتبط با جنسیت بود مورد حذف و طرد قرار گرفت و مسئولان نظام یکی از راه‌های احیای ارزش‌های دینی را نظارت بر پوشش افراد دانسته و در این خصوص قوانین و مقرراتی وضع کردند و مهم‌ترین گزاره‌ای که در این زمینه شکل گرفت، به‌خطر افتادن بنیان خانواده بود و چون خانواده و زندگی زناشویی برای نظام جمهوری اسلامی مهم و تنها راه ارضای نیاز جنسی به‌شمار می‌رفت، هر آن‌چه که ممکن بود این کانون را به‌خطر بیندازد مورد حذف و طرد واقع می‌شد و مساله حجاب نیز به‌نوعی ارتباط مستقیم با این موضوع پیدا می‌کرد.

مطالعات تاریخی نیز به‌نوعی هم‌نشینی مفهوم حجاب با مسائل جنسی-جنسیتی را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که در واقعه کشف حجاب به‌فرمان دولت، روسپیان از کشف حجاب منع شدند، در حالی‌که در بسیاری از جوامع اسلامی رویه غالب آن بود که روسپیان از داشتن حجاب معاف باشند. لذا به‌طور تاریخی هر زنی که حجاب نداشت بالقوه می‌توانست بدکاره تلقی شود و مورد آزار و اذیت مردان قرار گیرد. قاعدتا زنان محجبه در قیاس با دیگر زنان در ممتازترین بخش سلسله مراتب قدرت قرار می‌گرفتند که با کشف حجاب این سلسله مراتب واژگون شد. دولت در نظر داشت عفت و نجابت را از حجاب جدا کند (صادقی، ۱۳۹۲).

در این‌جا با دو نوع مداخله در پوشش مواجهیم یکی گفتمان حجاب اجباری بعد از انقلاب اسلامی و تأکید بر حجاب همچون کرداری جنسیتی با ایدئولوژی «حجاب مصونیت است» و دیگری بی‌حجابی اجباری که با از میان برداشتن تلازم میان حجاب و عفت منجر به‌واقعه کشف حجاب شد. هر دوی این مداخله‌ها به‌نوعی موفقیت در زمینه سیاست در حوزه حجاب دست یافته‌اند و در ایجاد تغییرات ماندگار و نهادینه در سبک پوشش موفق عمل کرده‌اند (آروین، ۱۳۹۷).^۱

1. <http://baharvin.ir/archives/97/11/12>

در هر دوی این گفتمان‌ها بدن انسان و در این مورد خاص، بدن زنان به‌ابژه مداخله بدل شده است. افراد به‌عنوان سوژه‌های جنسی مطرح شدند و جنسیت به‌ابزاری برای به‌کنترل درآوردن بدن تبدیل شد. در مورد معنا و مفهوم و اشکال و کارکردهای جنسیت، فوکو در کتاب تاریخ جنسیت، شکل‌گیری این پدیده را توضیح داده که جنسیت صرفاً یک پدیده تجربی زیست‌شناسانه نیست. «به‌نظر او جنسیت^۱ منظومه‌ای اتفاقی از گفته‌ها، رفتارها و مضامینی است که در عصر حاضر آدمیان را در چنبره مناسبات قدرت و گفتمان قرار می‌دهد. به‌عبارتی جنسیت عبارت است از راهبردی در جهت اداره، تولید و نظارت بر اندام آدمیان و مناسبات اجتماعی آن‌ها» (ضمیران، ۱۳۸۴).

نتایج پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۹۰ در مورد سنجش میزان نگرش اخلاقی به‌حجاب شامل مفاهیمی مثل جلب توجه، تحریک‌کنندگی و احساس امنیت در پوشش نشان می‌دهد ۹۸٫۱ درصد افراد موافقت خود را با گویه «بیرون از خانه لباسی می‌پوشم که تحریک‌کننده نباشد» و ۹۷٫۱ درصد افراد موافقت خود را با گویه «برایم مهم است ظاهرم طوری باشد که دیگران به‌من خیره نشوند» اعلام کرده‌اند. اما مسئله ما زمانی آغاز می‌شود که پس چگونه است که غالب افراد با این که وجود این رابطه را تایید می‌کنند باز در سطح جامعه شاهد پوشش‌هایی هستیم که بنا به‌شهود ضمنی خود و اطرافیان‌مان به‌عنوان پوشش تحریک‌آمیز یاد می‌شود. پس حتما تفاوت‌هایی در طرز تلقی افراد از این امر وجود دارد. ما در این پژوهش در پی آن بودیم که پیچیدگی‌های این انگاشت‌ها را دریابیم.

در این‌جا این پرسش به‌وجود می‌آید که بهره بردن جنسی از پوشش، به‌چه معناست؟ قطعاً هر انسانی بر اساس ظاهر -نوع پوشش و آرایش- شخص مقابل خود درکی نسبی از او خواهدیافت اما این‌که در جامعه امروز یک پوشش تا چه حد و چگونه جنسی است پرسشی است که در این پژوهش در پی آن هستیم.

در این پژوهش برآنیم توصیف دقیقی از چگونگی منطق اراده در سامانه پوشش توسط کنش‌گران و معناهای جنسی-جنسیتی ذهنیت کنش‌گران نسبت به‌مسئله پوشش در انتخاب‌های افراد ارائه دهیم. ممکن است در آغاز این اشکال به‌نظر آید که با سوگیری جنسی-جنسیتی به‌مسئله پوشش و مفروض گرفتن این نگاه، راه بر انجام پژوهش بسته باشد اما با مرور گفتمان‌های مسلط و عقلانیت سیاسی حاکم بر این مسئله در واقعه کشف حجاب و سپس دوران پس از انقلاب و همچنین بیان شواهد تجربی، حال می‌خواهیم با رویکردی کیفی و با استفاده از نظریه مبنایی به‌مطالعه نسبت سکسوالیته با مساله پوشش و نحوه تجربه آن در زیست روزمره انسان‌ها و چگونگی استفاده از سرمایه جنسی و روابط قدرت مستتر در آن بپردازیم. در متون دینی مسئله حجاب

به‌نوعی در پیوند با مسئله محرمیت و تعریف حلقه محارم و نحوه رابطه زنان و مردان در عرصه اجتماع مطرح می‌شود از این رو قصد ما مطالعه دیدگاه هر دو جنس مرد و زن نسبت به این مسئله خواهد بود. شاید این شائبه پیش بیاید که در امر حجاب زنانه چه نیازی به پرسش از مردان است اما در این پژوهش معناهایی از سکسوالیته در همین نظر و نگاه مردان به حجاب نهفته است که به سیاست‌گذاری در مورد حجاب زنان می‌انجامد.

سوالات پژوهش

در این پژوهش مسئله ما دریافت معنای حجاب در ذهن کنشگران بر پایه مفهوم سکسوالیته و با تمرکز بر وجه جنسیتی حجاب و آنچه به جنس و جنسیت مربوط است مثل رفتار و سلیقه جنسی و همه آنچه در حوزه کنش جنسی جای می‌گیرد، است و سعی در کاویدن این معنا و ربط‌های جنسی حجاب به روابط زناشویی و آزارهای جنسی و هر آنچه به نسبت پوشش و سکسوالیته بازمی‌گردد و به عبارتی تعریف مشخصات پوشش جنسی از دید کنش‌گران مرد و زن و تفاوت‌ها و شباهت‌های نگاه آن‌ها داریم. بر این اساس در پژوهش حاضر سئوالات زیر را مورد توجه قرار داده‌ایم:

آیا افراد نسبت به پوشش روزمره تفسیرهای جنسی دارند؟ این تفسیر به چه صورت هستند و چه تفاوتی میان تفسیر زنان و مردان وجود دارد؟
مشخصات پوشش جنسی، تحریک‌کننده و نافی عفت عمومی که ممکن است باعث عدم مصونیت زنان و مشکلاتی از این دست شود از نظر مردان و زنان چیست؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های زیادی در زمینه مسئله پوشش و در نگاه دینی به مسئله حجاب صورت گرفته است که همین امر خود نشان‌دهنده اهمیت موضوع و ماهیت پروبلماتیک آن در سطح جامعه است. سازمان تبلیغات اسلامی دو پیمایش ملی در زمینه پوشش و حجاب زنان ایران در سال‌های ۹۰ و ۹۴ انجام داده است. آمارهای پیمایش اول حاکی از این است که میان نگرش به حجاب و عمل به آن تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین گویه‌های مقیاس نگرش به احکام حجاب و عمل به احکام حجاب و خود این مقیاس‌ها با متغیرهای زمینه‌ای رابطه معنادار وجود دارد به طوری که زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد، زنان مسن بیشتر از زنان جوان، زنان کم‌سواد بیش از زنان تحصیل‌کرده و زنان خانه‌دار بیش از سایر اقشار با احکام حجاب موافقتند.

نتایج تحقیقات داخلی نشان می‌دهند امروز در وضعیت پوشش با تنوع و تکرر زیادی از بعد نظری و عملی روبه‌رو هستیم. زنان با انتخاب هر نوع پوشش معانی متفاوتی از نظر اجتماعی خلق می‌کنند و در ضمن با استفاده از استراتژی موقعیت‌مندی با بهره‌گیری از کدهای پوششی متنوع برای حضور در مکان‌های مختلف قابلیت خود را برای مبادله و چانه‌زنی با موقعیت‌های مختلف افزایش می‌دهند تا فشار هنجاری موجود را تعدیل کنند که نشان‌دهنده عاملیت زنان در مسئله پوشش است (علینقیان، ۱۳۹۰). حمیدی (۱۳۸۵) تیپولوژی نه‌گانه‌ای از حجاب ارائه داده که عبارت است از: حجاب به‌مثابه تکلیف، حجاب (چادر) به‌مثابه سنخ‌شناسی، حجاب سنتی، حجاب زیبایی‌شناختی، حجاب (مانتو) به‌مثابه ایدئولوژی، حجاب بازاندیشانه، حجاب به‌مثابه سبک زندگی، پوشش مدمحور (تیپ اینترنتی)، فشن‌لس، پوشش فمینیستی. پژوهش مجمع (۱۳۸۷) با عنوان "بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت)" نشان می‌دهد پوشش‌های ناهم‌نواثر با عرف، رنگی از مقاومت اجتماعی در برابر هنجارهای رسمی به‌خود می‌گیرد و برخوردهای هژمونیک و قهری این رفتارها را به‌هیچ وجه کاهش نداده است.

نتایج تحقیق واگنر^۱ و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد حجاب نه پدیده‌ای چندمعنایی بلکه عامل منحصربه‌فردی برای هویت‌بخشی به‌زنان مسلمان است وقتی در اقلیت باشند مثلاً در کشورهای غربی اما در جایی که اکثریت مسلمان باشند حجاب صرفاً عامل هویت‌بخش نیست و پدیده‌ای چندمعنایی است. سراج^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "معانی حجاب و عفت در میان زنان زنان اسکاتلند" به‌مناقشات بین تفاوت معنایی حجاب و عفاف در میان مسلمانان اشاره می‌کند به‌طوری که یک طرف طیف زنان عفت را مساوی پوشیدن حجاب معنی می‌کردند و در طرف دیگر عفت را مساوی پوشیدن لباس مناسب و نه لباس نمایانگر می‌دانستند.

در پژوهش‌های انجام‌شده معمولاً زنان مورد پرسش قرار گرفته‌اند از آنجایی که قصد ما تأکید بر ابعاد جنسی - جنسیتی پوشش است قصد مطالعه دیدگاه مردان و زنان را در این باره داریم.

چارچوب مفهومی

از مهم‌ترین دستوره‌های فقهی مرتبط با جنسیت، دستوره‌های مربوط به حجاب و عفت است. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به‌کار رفته باشد آیه ۵۳ سوره احزاب «... هنگامی که چیزی از می‌خواهید از آنان بگیری از پشت پرده بخواهید.» است. در اصطلاح تاریخ و حدیث اسلامی هر جا نام آیه حجاب آمده مقصود این آیه است که مربوط به‌زنان پیغمبر است (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۴). از این رو بعضی

1. Wagner
2. Siraj

مفسران (برای نمونه، ترکاشوند، ۱۳۸۹)، حجاب را مختص زنان پیامبر و وجه ممیز زنان آزاد از برده می‌دانند، به‌نحوی که زن آزاد با زن برده اشتباه نشود، به‌این ترتیب بیشتر صبغه هویتی برای مسئله حجاب و پوشش سر و گردن قائل هستند تا صبغه اخلاقی.

حجاب در لغت به‌معنی پرده و حجب به‌معنی «پنهان کردن با ستر» است و ستر در عربی به‌معنی پرده است. یعنی عملی که مکان را به‌دو قسمت کرده و یک قسمت را از دید افراد پنهان می‌کند. در ضمن مترادف فعل پنهان کردن را ستر و حجاب ذکر کرده‌اند که به‌معنای پوشاندن و پنهان کردن است (مرنیسی، ۱۳۸۰).

«در آیات مربوط به پوشش در سوره نور و احزاب-غیر از آیه ۵۳- مشخصاً لغت «حجاب» به‌کار نرفته است و حدود پوشش و تماس‌های مرد و زن را ذکر کرده است بدون آن‌که کلمه حجاب را به‌کار برده‌باشد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به‌جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کنند و فتوای فقها هم موید همین امر است» (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۳). به‌عقیده غلامی (۱۳۹۳) بهتر بود عبارت ستر در مورد پوشش زنان به‌کار می‌رفت تا شبهاتی که با توجه به‌ریشه کلمه حجاب در مورد این مسأله مطرح می‌شود منتفی می‌شد. زیرا حجاب اگر چه دارای دو معنی پوشیدن از یک‌سو و پرده از سوی دیگر است ولی غالباً در معنای پرده به‌کار می‌رود و دلیل استعمال آن به‌جای پوشش خاصیت پوشانندگی پرده است و همین باعث شده عده‌ای گمان کنند حجاب یعنی پشت پرده واقع شدن زن و محبوس شدن و عدم مشارکت اجتماعی وی.

سکسوالیته

جنس^۱ نشان‌دهنده مرد یا زن بودن بر اساس ویژگی‌های جسمی است و جنسیت^۲ به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی معرف باورها و رفتارها، انتظارات اجتماعی، نقش‌ها و هنجارهای منتسب به‌مرد بودن یا زن بودن و یا به‌عبارتی مردانگی^۳ یا زنانگی^۴ را نشان می‌دهد، باورهایی که در زمان دچار تغییر می‌شوند و در هر نظام فرهنگی متفاوت از نظام فرهنگی دیگر هستند (هولمز، ۸۷). به‌عبارتی جنسیت معنای فرهنگی مورد تصور بدن، تحت جنس است که برای توصیف شرایط اجتماعی مرد بودن یا زن بودن استفاده می‌شود پس می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از اختلاف بیولوژیکی و فرهنگی برای تجسم انسان‌ها کاربرد داشته باشد. جنس و جنسیت مفهوم مورد نظر ما در این پژوهش را

1. sex
2. gender
3. masculinity
4. femininity

به تمامی نمی‌رسانند از این رو از واژه سکسوالیته استفاده می‌کنیم که اشاره به‌الگوهای رفتاری افراد در حوزه کنش جنسی دارد و مباحث مربوط به هویت جنسی، سلیقه جنسی و رفتار جنسی آدم‌ها را شامل می‌شود. سکسوالیته به‌عنوان ساختی اجتماعی فرهنگی شکل‌دهنده رفتارهای انسانی و تنظیم‌کننده انسان به‌عنوان سوژه جامعه است (سیدمن، ۱۳۹۳). هر یک از این مفاهیم در یک شق دوتایی به‌کاربرده می‌شود مثل؛ زن/مرد، زنانگی/مردانگی، زنی/مردی.

آن‌چه از سکسوالیته در این پژوهش منظور می‌کنیم معطوف به‌زمینه میل است و آن‌چه میان میل و بدن جاری است، مثل میل جنسی، روابط جنسی، رفتارهای جنسی، عقده‌ها، سرکوب‌ها و به‌تعبیری ایده یا پنداشتی از این که چه کسی هستیم است که به‌شکل قدرتمندی به‌تجربه بدن‌ها، تمایلات، کنش‌ها و روابط اجتماعی‌مان شکل داده است (همان). سکسوالیته تنها یک اشتغال ذهنی به‌رابطه جنسی نیست بلکه «نامی است که می‌توان به‌سامانه‌ای تاریخی داد که در آن برانگیختن بدن‌ها، تشدید لذت‌ها، تحریک به‌گفت‌و‌گو، شکل‌گیری شناخت‌ها و تقویت کنترل‌ها و مقاومت‌ها به‌طور زنجیروار و مطابق با چند استراتژی دانش و قدرت به‌یکدیگر متصل می‌شوند» (فوکو، ۱۳۸۴: ۱۲۳). به‌عبارتی می‌توان گفت سکسوالیته شیوه فرهنگی زیستن بر اساس لذت‌ها و تمایلات جسمانی است.

«در قرن هجدهم باور جوامع غربی بر این بود که زنان از نظر جنسی منفعل‌اند در حالی‌که مردان قادرند تمایلات جنسی خود را سازماندهی کنند. در مقابل در فرهنگ اسلامی بسیاری از اندیشمندان مسلمان زنان را افرادی با‌گریزه نیرومند تصور می‌کردند» (هولمز، ۱۳۸۷: ۵۲). از این رو حجاب و جداسازی جنسیتی مکانیزم‌هایی هستند که جوامع مسلمان از آن برای کنترل سکسوالیته زنان بهره می‌برند (نجم آبادی، ۲۰۰۵).

«دین از اولین و مهم‌ترین نهادهایی بوده است که به‌بدن عنایت خاصی داشته و آن را در کانون توجه قرار داده است. دین از طریق مناسک و دستورات خود درباره نحوه آرایش، پوشش، رعایت نظافت شخصی و ... بدن را به‌عنوان ابژه پیش روی فرد قرار می‌دهد به‌عبارتی دین به‌فرد آموزش می‌دهد از طریق اعمال و احکام دینی بدن خود را به‌عنوان یک ابژه کنترل و اداره کند» (آزادارمکی و غراب، ۱۳۸۹).

موقعیت انسانی موقعیتی بدنی است. «جامعه‌شناسی بدن به‌کاوش در چگونگی تأثیرپذیری بدن ما از عوامل و نیورهای اجتماعی می‌پردازد. در مقام موجودات انسانی همه ما جسمیت داریم، یعنی صاحب پیکر هستیم. اما بدن چیزی نیست که به‌سادگی فقط صاحب آن باشیم و چیزی هم نیست که فقط جنبه مادی داشته باشد و بیرون از جامعه و مستقل از آن وجود داشته باشد. بدن ما تأثیر ژرفی از تجربه‌های اجتماعی ما می‌پذیرد، همچنین از ارزش‌های و هنجارهای گروه‌هایی که به‌آن‌ها تعلق داریم. یکی از مضامین عمده جامعه‌شناسی بدن به‌تأثیر تغییرات اجتماعی بر بدن مربوط می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۱۱). از این رو گیدنز (۱۳۹۱) به‌بدن به‌مثابه منبع جدید هویت می‌نگرد

به این معنی که امروز اشخاص با کنترل منظم بدن هویت شخصی‌ای می‌سازند که از طریق آن در معرض تماشای دیگران قرار می‌گیرند.

روش پژوهش

بر اساس موضوع و هدف این مطالعه، پژوهش حاضر در چارچوب روش کیفی انجام شده است. برای مطالعه درباره موضوعات حساس و کمتر شناخته شده که هدف آن‌ها کسب نگاهی نو است از روش‌های کیفی استفاده می‌شود.

از میان روش‌هایی که در چارچوب روش‌های کیفی قرار می‌گیرند، در این پژوهش از روش نظریه مبنایی که به کشف زوایای عمیق فکری افراد کمک می‌کند استفاده شده است. «در این روش گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند. پژوهشگر کار را با عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از دور داده‌هایی که گرد می‌آیند پدیدار شود» (استراوس و کربین، ۱۳۹۶: ۳۴).

داده‌ها از طریق نمونه‌گیری نظری و از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۶ زن و ۸ مرد جمع‌آوری شده‌است. مبنای داوری حجم نمونه اشباع نظری بوده است. از آن جایی که قصد پوشش دادن نظرات و مفهوم‌سازی افراد مختلف را داشتیم با توجه به طبقه‌بندی تیپ‌های پوشش که در هر یک از پژوهش‌هایی که در پیشینه مرور کردیم از نظرگاهی انجام شده بود، با در نظر گرفتن تیپ‌های مختلف پوششی بر یک طیف، نمونه‌ها انتخاب می‌شدند.

جدول ۱. فهرست اسامی و مشخصات جمعیت نمونه

| شماره | نام | سن | شغل | تحصیلات | وضعیت تاهل | وضعیت ظاهری/رفتاری |
|-------|--------|----|-------------|------------|------------|--------------------|
| ۱ | صبا | ۲۸ | فرهنگی | لیسانس | متاهل | مانتو شلوار آزاد |
| ۲ | زیبا | ۲۸ | حسابدار | لیسانس | متاهل | مانتو شلوار تنگ |
| ۳ | ساعد | ۳۷ | کارمند | لیسانس | مجرد | نیمه مذهبی |
| ۴ | منصوره | ۲۷ | معلم | لیسانس | متاهل | مانتو شلوار تنگ |
| ۵ | مینا | ۲۷ | دانشجو | فوق لیسانس | متاهل | مانتو شلوار آزاد |
| ۶ | نازنین | ۲۷ | کارمند | لیسانس | متاهل | مانتو شلوار تنگ |
| ۷ | حامد | ۲۸ | کارمند | لیسانس | متاهل | غیر مذهبی |
| ۸ | سمانه | ۲۶ | کارمند | لیسانس | متاهل | چادری |
| ۹ | مجتبی | ۲۷ | برنامه‌نویس | فوق لیسانس | متاهل | نیمه مذهبی |
| ۱۰ | راضیه | ۲۵ | طلبه حوزه | لیسانس | متاهل | چادری |
| ۱۱ | حسام | ۳۰ | کارمند | فوق لیسانس | متاهل | مذهبی |

| شماره | نام | سن | شغل | تحصیلات | وضعیت تاهل | وضعیت ظاهری/رفتاری |
|-------|-------|----|--------------|------------|------------|--------------------|
| ۱۲ | سمیرا | ۳۴ | معلم قرآن | لیسانس | متاهل | چادری |
| ۱۳ | راحله | ۲۷ | کارشناسی فنی | فوق لیسانس | متاهل | مانتو شلوار آزاد |
| ۱۴ | رضا | ۲۹ | کارمند | فوق لیسانس | متاهل | مذهبی |
| ۱۵ | معین | ۳۰ | برنامه نویس | لیسانس | مجرد | مذهبی |
| ۱۶ | فاطمه | ۳۱ | روزنامه نگار | فوق لیسانس | مجرد | مانتو شلوار آزاد |
| ۱۷ | شیرین | ۲۵ | دانشجو | فوق لیسانس | مجرد | مانتو شلوار آزاد |
| ۱۸ | هستی | ۲۸ | عکاس | لیسانس | مجرد | مانتو شلوار تنگ |
| ۱۹ | غزاله | ۲۶ | منشی | لیسانس | مجرد | مانتو شلوار تنگ |
| ۲۰ | مهین | ۴۰ | معلم قرآن | دیپلم | متاهل | چادری |
| ۲۱ | نیما | ۳۹ | کارمند بیمه | لیسانس | متاهل | نیمه مذهبی |
| ۲۲ | لیلی | ۲۵ | معلم زبان | لیسانس | متاهل | مانتو شلوار آزاد |
| ۲۳ | سارا | ۲۷ | کارمند | فوق لیسانس | مجرد | مانتو شلوار تنگ |
| ۲۴ | عرفان | ۲۸ | معلم موسیقی | لیسانس | مجرد | غیرمذهبی |

انتخاب زنان برای مصاحبه بر اساس سنخ‌شناسی صورت گرفته در تحقیق (رستمی، ۱۳۹۰) که شامل سه دسته مانتوشلوار تنگ، مانتو شلوار آزاد و چادری بود صورت گرفت. در این زمینه (طالبی، ۱۳۹۱) نیز سنخ‌شناسی سه‌گانه‌ای از حجاب ارائه داده: حجاب به‌مثابه پوشش دینی، حجاب به‌مثابه پوشش عرفی و حجاب به‌مثابه پوشش محدودکننده (عدم اعتقاد به حجاب) که می‌توان این دو نوع تیپولوژی را به‌نوعی هم‌ارز یکدیگر تلقی کرد. پوشش ظاهری زنان نسبت به مردان صراحت نسبی بیشتری در نسبت با به‌اعتقاد آنان دارد به‌عبارتی پوشش چادر غالباً نشان دهنده خاستگاه مذهبی فرد است. اما در انتخاب مردان چون نسبت به زنان کدهای مشخص‌کننده ظاهری کمتری دارند، برخوردهای آنان نسبت به‌جنس مخالف مثل دست دادن یا ندادن با زنان و حضور در مهمانی‌های مختلط و به‌طور کلی عقاید مذهبی آن‌ها را مدنظر قرار دادیم و بر اساس شهود ضمنی سنخ‌شناسی سه‌گانه‌ای موازی با زنان مشتمل بر افراد مذهبی، افراد نیمه مذهبی و افراد غیرمذهبی در نظر گرفتیم.

در این پژوهش ابتدا از پاسخ‌گویان می‌خواستیم که حجاب را تعریف کنند. سوالی کلی که معمولاً جواب‌های کلی از پیش تعیین‌شده و کلیشه‌ای دارد اما سعی کردیم با دقت در کلماتی که افراد در تعریف خود استفاده می‌کنند و با پرسش‌هایی که ابعاد این کلمات را می‌کاوید بی‌اعتنا و سریع از آن‌ها نگذریم. برای مثال غالب افراد با انواع تیپ‌های پوششی در تعریف خود از حجاب از

کلمات حد، حریم و عدم جلب توجه استفاده می‌کردند پس با توجه به تنوع تیپ‌های پوششی‌شان حتما تعاریف متفاوتی از این کلمات داشتند. در سوالات بعدی از آن‌ها می‌خواستیم این کلمات تکرارشونده و کلیشه‌ای را تعریف کنند حتی به صورت مصداقی می‌خواستیم مفاهیم «حد، حریم و عدم جلب توجه» را تعریف کنند. این مقدمات اولیه به‌قسمت اول پژوهش یعنی مسئله پوشش می‌پرداخت. با توجه به حساس بودن قسمت دوم، یعنی مساله سکسوالیته و ارتباط آن با پوشش و نوع حجاب، از همان آغاز نمی‌شد مصاحبه را با طرح چنین مباحثی شروع کرد از این رو با دنبال کردن نظرات و دقیق شدن در آن‌ها وقتی حساسیت یا عدم حساسیت‌شان نسبت به مسئله را متوجه می‌شدیم اقدام به طرح سوال می‌کردیم و گاه که نزدیک شدن به مسئله را دشوار می‌دیدیم با نشان دادن تصاویر تبلیغاتی که به مباحثی مثل غیرت و مشکلات احتمالی که بی‌حجابی یا کم‌حجابی در خانواده‌ها ایجاد می‌کند نظراتشان را جویا می‌شدیم.

در دو تصویری که در پی می‌آید، عکس سمت راست بیان‌گر رابطه غیرت مرد و پوشش زن است. عکس سمت چپ اشاره به ارتباط وضعیت پوشش زنان در سطح جامعه و کانون خانواده و روابط زن و شوهرهاست. افراد در مورد پیام این تصاویر نظرات متفاوتی داشتند.



زن بی‌حجابی از یک زن چادری پرسید: چرا چادری می‌پوشی؟ زن محجبه در جواب گفت: این چادرم به خاطر توست، به خاطر تو که شوهرت تحریک نشود نسبت به تو سر دهنشود... و محبت تو در دلش باقی بماند... اری این است فلسفه ی حجـاب



به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری نظری در نظریه مبنایی که شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی است استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش را بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کربین تشریح می‌کنیم. بر طبق این الگو با دسته‌بندی مفاهیم و مقولات به دست آمده در مراحل کدگذاری به بیانی از شرایط علی، پدیده مرکزی، عوامل زمینه‌ای، استراتژی و پیامد رسیده‌ایم:

پدیده مرکزی: انواع مواجهه با امر جنسی (سکسوالیته)

در این پژوهش مقوله مرکزی که توضیح‌دهنده مضمون اصلی پژوهش یعنی رابطه حجاب و سکسوالیته باشد، انواع مواجهه با امر جنسی (سکسوالیته) نام‌گذاری شد. در فرایند کدگذاری محوری سه مقوله فرعی نحوه تجربه امر جنسی (سکسوالیته)، نگرش به امر جنسی و جذابیت جنسی از هم متمایز شدند.

در مورد نحوه تجربه امر جنسی افراد اشاره به رابطه‌های جنسی و اجتماعی آزاد، پنهانی و عدم رابطه کردند و معتقد بودند این امر بر چگونگی مواجهه با پوشش زنان در سطح جامعه مربوط است، به عبارتی به میزانی که افراد رابطه آزاد با جنس مخالف به منظور شناخت عواطف و امیال جنسی و حتی برقراری رابطه جنسی داشته باشند از میزان عطش و کنجکاوی آنان نسبت به امر جنسی که جزء ذات غریزی بشر است کاسته و یا حتی برطرف می‌شود. اینان معتقدند به میزانی که افراد نسبت به حضور و بدن جنس مخالف آگاه‌تر باشند و به بیانی بیشتر دیده باشند از درجه ابژگی بدن جنس مخالف به خصوص بدن زنانه برای‌شان کاسته می‌شود. در این مورد شیرین^۱ با تیپ پوششی مان‌تو شلوار آزاد معتقد است:

«البته همه الان ماشالا از پونزده سالگی سکسو تجربه می‌کنن. اما مهم چه طوری تجربه کرده‌س. پسرای پایین (شهر) خونه‌شون خالی میشه و با ترس و لرز تجربه می‌کنن. ولی ادمای بالا شهر با یکی دوست میشن به رابطه آزاد با یکی دارن. نمی‌گم این بهتره. اما میگم عقده‌شونو خالی کردن حداقل به خاطر همین متلک و این چیزا بالاها کمتره.»

اما افرادی که خاستگاه مذهبی داشتند ضمن رد این گزاره به مضرات رابطه آزاد اجتماعی و جنسی - افزایش آستانه تحریک‌پذیری جنسی - اشاره کردند و به امر جنسی به مثابه امری هرگز عادی نشدنی می‌نگرند و معتقدند بلوغ زودرس از مضرات عادی‌سازی از طریق اشباع بصری است.

۱. در این پژوهش از اسامی مستعار استفاده شده است.

سمیرا با پوشش چادر: «این که می‌گن رابطه با جنس مخالف داشته باشه و ببینه و اینا عادی میشه براش تا به حدیه از یه حدی بیشتر استانه تحریک‌پذیری رو اتفاقا میبره بالا و این خیلی بدتره و این چیزیه که الان داره اتفاق میفته.»

نیما-نیمه مذهبی: «تو جامعه ما یه نفر داره راه میره ممکنه شصت نفر بهش متلک بگن و مورد اذیت لفظی قرار بگیره. ادم معمولیشم با پوشش عادی متلک می‌گن. یه سری چیزا عقده شده. کمبود. نیاز. قدیم یه کاباره‌ای بوده. من نمیگم خوبه. اما باعث میشده کسی اگه نیازی داره اونجاها برطرفش کنه. الان انقد جلوشو گرفتن و نداشتن ملتو تبدیل به عقده شده.»

بر خلاف دیدگاه غالب که صرفاً به بدن زن به‌عنوان ابژه جنسی می‌نگرد، به‌جذابیت جنسی مردانه و زنانه رسیدیم که عبارت است از جذابیت‌های ظاهری و رفتاری در افراد. جذابیت جنسی مردانه شامل هیکل و تیپ و جذابیت زنانه آرایش صورت، رنگ‌های مورد استفاده در ظاهر و نحوه برخورد ذکر شد.

عوامل زمینه‌ای

«شرایط زمینه‌ای مجموعه‌ای خاص از شرایطاند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به‌وجود آورند که اشخاص با استراتژی‌های خود به‌آن پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای منشا در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به‌الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند.» (استراوس و کرین، ۱۳۹۶: ۱۵۴) در پژوهش ما شرایط زمینه‌ای اعم از میزان تعلق مذهبی، تربیت خانوادگی، موقعیت جغرافیایی، آنومی نشانه‌شناختی و احکام مردسالارانه عواملی هستند که بر چگونگی تجربه امر جنسی (سکسوالیته) در افراد تاثیر می‌گذارند.

مذهب نقش پررنگی در تنظیم قواعد و اصول روابط بین دو جنس دارد. به‌میزانی که افراد پای‌بندی بیشتری به‌اصول دینی داشته باشند حد پوشش اسلامی را بیشتر رعایت می‌کنند و از طرفی در تنظیم روابط خود با جنس مخالف نیز بر اساس اصول اسلامی عمل می‌کنند.

از عوامل تاثیرگذار بر نحوه مواجهه با امر جنسی (سکسوالیته) تربیت خانوادگی فرد است. در این مورد حامد به‌عنوان فردی غیر مذهبی ضمن اشاره به‌تبعیت از عرف اجتماعی در انتخاب پوشش می‌گوید:

«مثلاً یه جزیره‌ای تو تایلند که همه برهنه‌ان قطعاً هیچ جوهره راضی نمیشم چه خودم و چه خانمم با عرف اونجا کار کنیم چون بالاخره نحوه زندگی و تربیت هم تاثیر می‌ذاره در رفتاری آدم.»

از دیگر عوامل تاثیرگذار بر نحوه مواجهه با امر جنسی (سکسوالیته) محل زندگی و رشد افراد است که تحت موقعیت جغرافیایی مفهوم‌سازی شده است. در این جا تفاوت فرهنگی بالای شهر- پایین شهر و تفاوت فرهنگی شهرهای مختلف را داریم. افراد با اشاره به این تفاوت‌ها به تفاوت برخورد آن‌ها نسبت به انواع تیپ‌های پوششی اشاره می‌کنند.

آنومی نشانه‌شناختی به معنای تناقض میان واقعیت جاری و واقعیت مورد انتظار است که باعث برهم خوردن نظم ذهنی افراد نسبت به هنجارهای قابل قبول از تیپ‌های پوششی مختلف می‌شود و همین امر خود موجب برهم خوردن نظام هنجاری پوشش افراد می‌شود. افراد در این زمینه به‌نگاه هیز افراد مذهبی و همچنین رفتارهای ناشایست افراد با تیپ چادر اشاره کردند که منجر به بدبینی نسبت به تیپ چادر می‌شود. در واقع می‌توان گفت انتظارات حداکثری از افرادی با پوشش اسلامی چه مرد چه زن باعث این آنومی نشانه‌شناختی می‌شود به‌صورتی که به افراد حق هیچ‌گونه کنشی غیر از قالب‌های از پیش موجود نمی‌دهد و در صورت بروز رفتار غیرقابل‌انتظار منجر به بدبینی و دلزدگی بقیه می‌شود.

افراد یکی از عوامل تاثیرگذار بر نحوه تجربه امر جنسی (سکسوالیته) را وجود احکام و قوانین یک‌طرفه مردسالارانه ذکر کرده‌اند که منجر به کنترل و انقیاد زنان شده است. از ویژگی‌های جامعه مردسالار به‌عدم برابری میان زن و مرد از همان ابتدای تولد و طبیعی انگاشتن سیری‌ناپذیری میل جنسی مردان و توجه یک‌طرفه به حجاب زنان و عدم توجه به تربیت مردان اشاره کرده‌اند و معتقدند این امر موجب ایجاد فضای سرکوب می‌شود.

عرفان-غیر مذهبی: «من بهت بگم بلااستثنا همه مردا اگر یه دختری اینجا باشه که خیلی زیبا باشه و شیک و ... همه نگاه می‌کنن و همه لذت میبرن یعنی در واقع یه جور غریزه‌س. (سیری‌ناپذیری میل مردان) یه ویدیوهایی هست که یه همچین خانمی میاد تو کافه و مردی که نامزدش یا همسرش کنارش نشسته جلب این زن میشه بعد اون نامزد یا همسر مرد یا با اون خانم درگیر میشه و از کافه می‌اندازتش بیرون یا مرده رو باهاش بحث می‌کنه. تو به‌عنوان یه زن ممکنه ناراحت بشی اما وقتی این در همه مردها عمومیت داره تو فقط باید درکش کنی. مثل مهریه که می‌گذاریمش به‌عنوان ترمز زندگی که غلطه و ترمز هیچ زندگی‌ای نشده اینم در واقع اگه قراره شوهر تو به‌خاطر نوع پوشش جذب کسی دیگه‌ای بشه مسئله حجاب و این‌ها نیست مسئله یه جای دیگه‌ست. در واقع انتخابت درست نبوده. این تبلیغ از اساس غلطه.»

زیبا با پوشش مانتو شلوار تنگ: «چرا این جوریه که زن باید رعایت کنه که مرد تحریک نشه اون مرد هم باید یه سری مسائل رو رعایت کنه. باید چشمشو بپوشونه. اگه تو این چهل سال به‌جای این که انقد به حجاب زنا گیر میدادن مردا رو تربیت می‌کردن الان مشکلی نداشتیم (عدم تربیت مردان)».

علل

«شرایط عبارت از مجموعه روی‌دادها و حوادثی است که موقعیت‌ها و مسائل و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند» (استراوس و کربین، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در واقع علل همان عوامل تاثیرگذار بر رخداد یک پدیده است. در این‌جا سوال این است چه عواملی بر نحوه تجربه امر جنسی (سکسوالیته) در افراد تاثیر می‌گذارد. از علل تاثیرگذار می‌توان به تغییرات اجتماعی، محدودیت‌های تعریف اسلامی حجاب و تبعیت از گروه همسالان اشاره کرد.

تغییرات اجتماعی شامل تغییرات نسلی عرف حجاب، ظهور شبکه‌های اجتماعی و کم‌اهمیت‌تر شدن پوشش سر نسبت به بدن است. از مواردی که بسیاری افراد بر آن تاکید دارند تغییراتی است که در نگرش مردم نسبت به انواع پوشش دهه به دهه و حتی سال به سال مشهود است به طوری که هر چه پیش‌تر می‌رویم تیپ‌های غیرمعمول سال‌های دور، امروز عادی جلوه می‌نماید. همچنین شبکه‌های اجتماعی علاوه بر این که خود تغییری اجتماعی به‌شمار می‌روند از عوامل اثرگذار بر تغییرات نسلی عرف حجاب نیز هستند.

لیلی با پوشش مانتو شلوار آزاد: «مثلا من پادمه قبلا با عکس بی‌حجاب یه دختر می‌شد اخاذی کرد. اما الان طرف خودش عکساشو می‌ذاره اینستا و کلا همه جا پر از عکسه دیگه این چیزای بی‌معنیه.»

از تغییرات بسیار جالب توجه تمایزی است که افراد بین پوشش سر و بدن قائلند. به عبارتی معتقدند از میزان اهمیت و جذابیت مو کاسته شده و بی‌حجابی سر معنایی ندارد و این را به دلیل تغییرات اجتماعی که در حوزه پوشش سر داشته‌ایم می‌گویند اما در مورد بدن این‌گونه فکر نمی‌کنند و بدن را حوزه‌ای می‌دانند که شامل جذابیت‌های جنسی بی‌پایان است.

سارا با پوشش مانتو شلوار تنگ: «من خودم رو روسری خیلی حساس نیستم اما لباس چرا. چون به‌نظرم چه فرقی داره یه تیکه جلوی موم بیرون باشه یا کل موم به‌خاطر همین روش خیلی حساسیت ندارم. الانم تو جامعه ما خیلی عرفه که این یه تیکه جلو بیرونه. فرق جلو و پشت مو چیه مگه؟ اما راجع به لباس فرق داره این موضوع. قسمتای مختلف بدن متفاوتن. اون چیزی که عرف شده به‌نظرم اشکال نداره. مثلا مچ دست تا ارنج الان عرفه. دست جذابیت خاصی نداره. ولی گردن چرا میشه خیلی کارا کرد من دیگه اینو با عرف همراهی نمی‌کنم حتی اگه عرف باشه. من خودم اینارو رعایت می‌کنم. پا هم تا قوزک پا. من از اول حجاب سرو دوست نداشتم. علتشو نمی‌دونم که چرا باید باشه. حجاب بدن خیلی فرق داره. مو جذابیتی نداره. اما قسمتای مختلف بدن جذابیت داره.»

احکام اسلامی حجاب تعیین‌کننده حدود و قوانین فقهی حاکم بر پوشش و همچنین جداسازی جنسیتی افراد است. از ویژگی‌های حجاب اسلامی که افراد مشخصا به آن پرداخته‌اند می‌توان به محدودیت‌های حجاب - محدودیت عمل‌کردی، محدودیت در روابط اجتماعی، محدودیت در روابط

جنسی و فشار اجتماعی بر فرد چادری، قانون حجاب اجباری، تبلیغات حجاب، ذهنیت ابژه‌ساز (به معنی تقلیل موجودیت زن به وجه جنسی او) و عدم توجه به اقلیت‌های دینی اشاره کرد. احکام اسلام در مورد حجاب منشا وجود قانون حجاب در کشور ماست. افراد با تیپ‌های پوششی گوناگون با قانون حجاب اجباری و سیاست‌های کنترلی گشت ارشاد مخالف بودند و معتقدند اجبار چه از سوی خانواده و همسر و چه از طرف حکومت بی‌فایده است. با این حال افرادی هم بودند که وجود قانون حجاب را برای جامعه اسلامی لازم می‌دانستند. همچنین معتقد بودند این قانون و نحوه تبلیغات حجاب منجر به ذهنیت ابژه‌ساز می‌شود. ابژه‌سازی به معنی تقلیل موجودیت زن به وجه جنسی اوست که ریشه در محدودیت‌های تعریف حجاب دارد.

هستی با پوشش مانتو شلوار تنگ: «این فشار باعث خراب تر شدن دخترا و پسرا میشه. که پسرا فکر می‌کنن کجا چه جوری تیکه بندازیم. ازادیه که ادمو راحت میذاره. اما وقتی اجبار میشه از یه جا دیگه می‌زنه بیرون. انقد مردمو منگنه گذاشتن دیوونه شدن. دوست داره همه جاشو بریزه بیرون مردم نگاش کنن. کلمه باید همه چی رو خراب می‌کنه. حتی تو دانشگاه استادها هم خودشون از همه بدترن. گروه داشتیم پی‌ام می‌داد موهاش چه قشنگه. این یعنی چی که استاد مملکت نمی‌تونه خودشو کنترل کنه؟»

ساعد-نیمه‌مذهبی: «من فکر می‌کنم اجبار به حجاب خودش باعث بی‌حجابیه. مردم ما دین‌زده شدند. به خاطر اختلاس‌ها و فساد اصلا نظرشون نسبت به دین و حجاب و ادم چادری تغییر کرده.»

در مورد تبعیت از همسالان افراد برای پذیرش در گروه‌های دوستی از یکدیگر تبعیت می‌کنند. غزاله با تیپ پوشش مانتو شلوار تنگ: «شاید مامانم مخالفه و دوس داره ما حجاب داشته باشیم ما نمی‌تونیم بگیم باشه مامان هر چی تو بگی. وقتی همه دوستانمون پسرخاله‌هامون و جامعه اطرافمون این جورین، مجبور میشیم اگه مادرمون باهامون راه نیاد بهش دروغ بگیم. مثلاً یه دوستم با پسرا دست نمیداد. بعد دست پسرا رو هوا می‌موند. بعد ما بهش میگفتیم ینی چی خب ناراحت میشن. از یه خانواده مذهبه اما مثل ما موهاش کمی بیرونه. اولین مهمونی قاطی اومد تولد ما. اما الان دست میده میگه زشته من با این سنم دست یکی رو رو هوا بذارم. در واقع جامعه برایش این جوری خواست. میگه من نمی‌تونم تولد تو نیام هیچ‌جا نیام سر این که قاطیه و این بی شعوری و بی‌احترامیه که من دست ندم و من مجبورم با اینا دست بدم مثل شما بشم. به این نتیجه رسید چیزی نمیشه من دست بدم. میاد اما لباس پوشیده می‌پوشه. من دوست دارم دوستانم بیان تولد من. یکی از دوستانم گفت من بیام با حجاب میام تا حالا مهمونی قاطی نرفتم. گفتم بیا برای من فرقی نداره. اما وقتی اومد دیدم بی‌حجاب اومده. با کت و شلوار. گفتم تو که گفتی با حجاب میای؟ گفت دیدم اونجوری بیشتر تو چشمم که اینو نگاه با حجاب پا شده اومده مهمونی قاطی.»

استراتژی

استراتژی اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور است (استراوس و کربین، ۱۳۹۶: ۱۵۵). افراد با توجه به نحوه تجربه امر جنسی (سکسوالیته) و درکی که از آن دارند و با ارائه تفسیرهای متکثر از حجاب و غیرت و هر آن‌چه به سکسوالیته مربوط می‌شود استراتژی‌هایی برای نحوه اداره پوشش خود و مسائل مربوط به آن اتخاذ می‌کنند.

افرادی که به‌هژمونی موجود در رابطه امر جنسی با حجاب اعتقاد دارند با هنجارها و مفاهیم موجود در این زمینه نسبتاً هم‌نوا هستند اما دیگر افراد مهم‌ترین استراتژی‌ای که برای مصون ماندن از هجمه صدای غالب در این زمینه و عوامل مربوط به آن برمی‌گزینند بازتعریف مفاهیم این حوزه است. برای این امر سعی می‌کنند با فاصله گرفتن از تعاریف رسمی حول مفهوم مربوطه، مضامین جدیدی مطرح کنند و در این زمینه سعی در بازتعریف مفاهیم حجاب و غیرت کرده‌اند.

ابعاد حجاب

افراد با متکثر ساختن معنای حجاب به آن ابعاد جدیدی می‌بخشند که تعریف رسمی حجاب ظاهری به‌عنوان یکی از ابعاد و بی‌اهمیت‌ترین آن تلقی می‌شود. افراد در بازتعریف حجاب به‌عنوان امری چندبعدی مفاهیم حجاب به‌مثابه حریم شخصی، حجاب به‌مثابه امری ذاتی و غریزی و حجاب فکر و رفتار را ذکر کردند.

فارغ از همه مناقشات بر سر حجاب، همه افراد ابتدا بر حجاب به‌عنوان امری پیشینی که ذاتی غریزه بشری است تاکید دارند.

عرفان-غیرمذهبی: «در واقع ریشه حجاب بیشتر ذاتیه و تو گاهی به فردی رو میبینی اصلاً مذهبی نیست اما وقتی به دفعه یکی رو ببینه ناخودآگاه ممکنه به چیزی بپوشه سرش چون احساس امنیت نمی‌کنه.»

دومین مفهومی که در این زمینه به‌دست‌آمد ناظر بر مشخص کردن حریم شخصی فیزیکی افراد است به‌این معنی که همه افراد بر کارکرد حجاب به‌عنوان حائل برای حریم خصوصی در حوزه بدن متفق‌القول‌اند.

سمانه با پوشش چادر: «حجاب در قسمت پوشش برای من تا حدی نقش وجود و تحکیم حریم شخصی‌مو داره هرچند که خیلیا میگن بیشتر بستگی به رفتار داره ولی برای من حجاب این نقشو بازی میکنه چون واقعیت اینه که همیشه تضمینی برای رفتار دیگران داشت. برای همین من سعی میکنم تا حد امکان رعایت کنم. منظورم اینه که تو نمیتونی تضمین کنی الان رفتار خاصیت با به مرد برای اون حاوی چه پیامی باشه و چه تأثیری روش داشته باشه.»

مهم‌ترین بعد حجاب که به عقیده افراد که اگر نباشد دیگر تعاریف و ابعاد حجاب کارکردی ندارند بعد رفتاری و به عبارتی حجاب رفتاری، حجاب فکری، حجاب درونی مثل حجاب زبان و حجاب چشم است.

سارا با پوشش مانتو شلوار تنگ: «حجاب به چیز بیرونی نیست. چادر و روسری نیست. حجاب اخلاقه. من می‌تونم روسری سر نکنم ولی خیلی چیزای دیگه رو رعایت کنم. یعنی به چیزای دیگه جز پوشش مثل مدل حرف زدن می‌تونه تاثیرگذار یعنی مخرب تر باشه و خود آدم می‌دونه هر لحظه داره چی کار می‌کنه و به چه هدفی. کسی که اونجوری حرف می‌زنه معلومه هدفش و خودش می‌دونه.»

ابعاد غیرت

در تعریف رسمی، غیرت به‌عنوان امری است که در نسبت با جنسیت و حجاب تعریف می‌شود. افراد در این زمینه نیز دست به‌باز تعریف و گسترده‌تر کردن دامنه این مفهوم زدند و به‌نوعی این مفهوم را از آن خود کردند. سه مقوله فرعی غیرت به‌مثابه فارغ از جنسیت، غیرت ناموسی و غیرت به‌مثابه عاطفه درونی در این زمینه از هم متمایز شد که در ادامه به توضیح هر یک از این‌ها خواهیم پرداخت.

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | کدهای باز |
|------------|----------------------------------|--------------------------------|
| ابعاد غیرت | غیرت به‌مثابه امری فارغ از جنسیت | غیرت مردانه غیرت زنانه |
| | غیرت ناموسی | تعصب کور |
| | غیرت به‌مثابه عاطفه درونی | پشتیبانی مالی پشتیبانی روحی |

پیامد

پیامدها، اتفاقات خواسته یا ناخواسته‌ای هستند که ناشی از استراتژی‌های اتخاذ شده توسط کنش‌گرند. پیامدهای نحوه تجربه امر جنسی شامل معیارهای متفاوت انتخاب پوشش توسط افراد و همچنین تفاوت نگرش آن‌ها به وضعیت پوششی جامعه و طریقی که دست به‌طبقه‌بندی و نام‌گذاری انواع تیپ‌های پوششی می‌زنند است. پیامد دیگر قضاوت‌های اخلاقی و دیگری‌سازی است.

معیارهای انتخاب پوشش

اولین مقوله اصلی مربوط به‌انواع ملاک‌هایی است که افراد مختلف با توجه به آن‌ها دست به‌انتخاب پوشش خود می‌زنند و یا ملاک‌هایی که جهان‌بینی و نگرش آن‌ها را نسبت به‌انواع

تیپ‌های پوششی دیگر افراد نشان می‌دهد. به عبارتی به‌میزانی که افراد قائل به‌تعریف حجاب اسلامی باشند- که این تعلق مذهبی بر نحوه درک و دریافت امر جنسی توسط افراد نیز اثرگذار است- با اعتقاد بر احکام اسلامی دست به‌انتخاب پوشش خود می‌زنند و به‌میزانی که از تعلقات مذهبی فاصله بگیرند معیارهایشان بر اساس موقعیت و انتخاب‌های شخصی شکل می‌گیرد.

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | کدهای باز |
|----------------------|-------------------|---|
| معیارهای انتخاب پوشش | تعریف حجاب اسلامی | مقدم بودن شرع بر عرف دستور الهی عدم تبرج پوشیدگی از نامحرم |
| | موقعیت‌مندی | عرف زمان عرف مکان شرایط (حضور همسر) |
| | انتخاب شخصی | شیک‌پوشی راحتی ترجیح علائق شخصی هویت بخشی |

طبقه‌بندی تیپ‌های پوششی

در این‌جا ما پوشش مصاحبه‌شوندگان را طبقه‌بندی نکرده‌ایم بلکه سعی کردیم از دید آن‌ها انواع پوشش‌ها را بر اساس نسبت یا عدم نسبت‌شان با امر جنسی طبقه‌بندی کنیم و در واقع نگرش آن‌ها نسبت به تیپ‌های موجود را دریابیم. در این گونه‌شناسی دو تیپ عرفی و خودابژه از هم متمایز شده‌اند. خودابژه به‌معنی تقلیل موجودیت زن به‌وجه جنسی اوست.

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | کدهای باز |
|-------------------------|--------------|--|
| طبقه‌بندی تیپ‌های پوششی | پوشش عرفی | - تیپ کارمندی - تیپ دانشجویی - معلوم بودن مچ دست - بیرون بودن قسمتی از موها |
| | پوشش خودابژه | - ساپورت - تاپ کوتاه با مانتوی جلو باز - نمایان بودن قسمت‌های حساس بدن (چاک سینه، فاق شلوار) - نیمه‌عریانی |

قضاوت اخلاقی

گستره معنایی وسیع پوشش و دلالت‌های آن در افراد ناگزیر منجر به قضاوت‌هایی درباره پوشش ظاهری افراد می‌شود. نگرش افراد نسبت به طیف پوشش متاثر از عوامل زمینه‌ای و علی ذکر شده است مثلاً معنا و مصداق پوشش خودابژه برای فردی با خاستگاه مذهبی متفاوت از کسی است که زمینه مذهبی ندارد و به عبارتی حد عرفی مورد قبول اینان با هم متفاوت است همین امر منجر به تضاد مصادیق بین گروه‌های مختلف و در نهایت قضاوت‌های اخلاقی نسبت به یکدیگر می‌شود به طوری که به میزانی که فردی از معنای ذهنی فرد مذهبی نسبت به پوشش عرفی دور شود به پوشش خودابژه نزدیک می‌شود در حالی که ممکن است خود همین شخص فرد دیگری را با حدودی متفاوت از خود به عنوان پوشش خودابژه معرفی کند. همچنین علاوه بر قضاوت اخلاقی پوشش خودابژه با قضاوت اخلاقی تیپ‌های مذهبی اعم از چادر و ریش و ... مواجه هستیم که در مواردی به علت کج رفتاری‌های موردی متهم به بی‌اخلاقی و در نتیجه بدبینی بقیه نسبت به هم تیپ‌های خود-چادری‌ها- و در درجه بالاتر نسبت به مذهب و احکام اسلامی می‌شود.

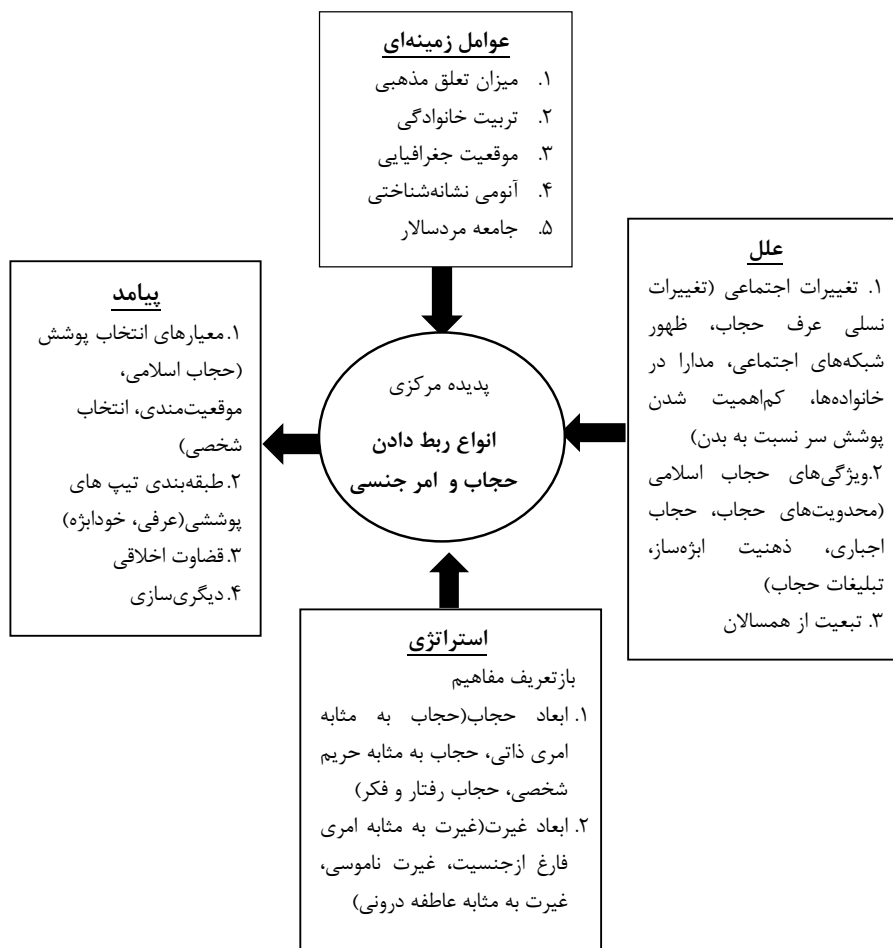
دیگری‌سازی

بدبینی بین طرفین به دیگری‌سازی به معنای جدا کردن خود از بقیه‌ای که شبیه ما نیستند و مثل ما فکر نمی‌کنند منجر می‌شود. در این پژوهش ما با دیگری‌سازی دوسویه مواجه بودیم به این صورت که هم افرادی که خاستگاه مذهبی داشتند بقیه را متهم به احترام نگذاشتن و نادیده گرفتن حقوق خود می‌دیدند و هم افراد با پوشش‌های دیگر، نسبت به رفتار افراد چادری و مذهبی معترض بودند.

سمیرا با پوشش چادر: «برای من سواله چرا به یه بی‌حجاب نمی‌تونی بگی بی‌حجابی با این که دین من این اجازه رو داده که به بی‌حجاب بگم این طوری نباش. ولی یه بی‌حجاب خیلی راحت به خودش اجازه میده منو مسخره کنه که پنج متر پارچه دور خودت پیچیدی تو گرما که چی بشه. اگه رفتار فردیه و من اجازه ندارم به اونا چیزی بگم اونا هم نباید چیزی به من بگن. چه طور من چیزی بگم میشه دخالت تو حریم خصوصی اونا. اما اونا هر چی دلشون بخواد می‌تونن به ما بگن. تو مسافرتی که امسال رفتیم و من توی جمع هم چادر سر کردم خواهرشوهرم فوق‌العاده عصبانی شد. از حرکاتش می‌فهمیدم. چه طور اونا به پوششی که اسیبی به اونا نمی‌رسونه و سختی‌ای براش نداره عصبی و معترض میشه ولی من به پوشش اونا که به من اسیب می‌رسونه نباید چیزی بگم. (دیگری‌سازی)»

شیرین با پوشش ماتو شلوار آزاد به رفتار چادری‌ها در نسبت با دیگر افراد اشاره می‌کند: «مثلاً واکنش زن‌های چادری به چهارشنبه‌های سفید رو می‌بینی؟ می‌دونی ما چقد ازینا داریم. مامان خود من که منو می‌بینه و چقد سعی می‌کنه امروزی باشه خودش نمی‌تونه

همچین چیزی رو قبول کنه. بعد از مادر یه شهید چه توقعی داریم. اون منطقی اینه که بچه من خون داده و ...»



شکل ۱. مدل پارادایمی تحلیل موضوع

بحث و نتیجه‌گیری

از دلالت‌های اصلی وجوب حجاب اسلامی در آرای فقهی استحکام بنیان خانواده و جلوگیری از بی‌بندوباری و هیجان‌های جنسی ذکر می‌شود از این رو با توجه به این تعاریف هر آن‌چه مربوط به ربط‌های جنسی می‌شود تحت عنوان سکسوالیته تعریف کردیم. در این پژوهش در بستر پیچیده و

متلاطم و متناقض موجود در زمینه حجاب که هنجارهای نانوشته و مقررات رسمی آن را تنظیم می‌کنند، در پی دریافت‌های افراد از نسبت حجاب و سکسوالیته در جامعه برآمدیم. پیچیدگی‌های موجود در مورد این امر در تجربه زیسته هر یک از ما قابل پیگیری است. پژوهش ما تلاش داشت پیچیدگی این نسبت را با مطالعه ذهنیت زنان و مردان در مورد حجاب و آن‌چه به عبارتی پوشش تحریک‌آمیز نامیده می‌شود توضیح دهد. همین عبارت پوشش تحریک‌آمیز دال بر رابطه پوشش و امر جنسی است و شهود ضمنی و همچنین تحقیقات حجاب وجود این رابطه را تایید می‌کنند. ما در این پژوهش در پی آن بودیم که پیچیدگی‌های این انگاشت‌ها را دریابیم.

به‌طور کلی مسئله‌ای که در تمام گفتارها میزان همراهی با آن بیش از سایر مسائل بود گزاره عدم جلب توجه و زنده بودن پوشش و تمایز میان معانی حجاب و عفت و اولویت رفتار عقیفانه بر حجاب ظاهر است، با این وجود بعضی افراد مذهبی بر رعایت پوشش اسلامی و تلازم آن با عفت معتقدند. هر چند افراد مذهبی خود شامل طیف وسیعی هستند و این نمی‌تواند بازتاب نظر همه آن‌ها باشد.

تمامی افراد مورد مصاحبه بنا به قضاوت خودشان و متأثر از عوامل علی و زمینه‌ای و با رعایت حد عرفی پوشش، پوشش زنده و تحریک‌آمیز نداشتند با این حال با توجه به چگونگی مواجهه با امر جنسی و تحت تاثیر عوامل زمینه‌ای تعاریف متفاوتی از پوشش تحریک‌آمیز داشتند. تعریف عرفی پوشش به افراد اجازه دخالت ابعاد زیبایی‌شناسانه و انتخاب شخصی در پوشش را می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد صرفاً افرادی که تعلق مذهبی داشتند (تیپ پوشش چادر) خود را ملزم به رعایت احکام دینی می‌دانستند. بعضی از اینان وضعیت امروزی حجاب را نتیجه ناآگاهی دینی افراد می‌دانستند و گفتمان حجاب مصونیت است بیشتر در آن‌ها درونی شده بود و در آزارهای جنسی نسبت به زنان ابتدا وضعیت پوششی زنان را مقصر می‌دانستند اما به‌میزانی که افراد از تعلقات مذهبی فاصله می‌گرفتند از هژمونی غالب نیز فاصله می‌گرفتند و بر انتخاب شخصی افراد و عاملیت آن‌ها در کنش‌ورزی تاکید می‌کردند.

با این حال همه افراد با تیپ‌های پوششی و اعتقادهای متفاوت، نسبت به سیاست‌های کنترلی و تبلیغات حجاب نقد داشتند. افراد با تعلقات مذهبی بالاتر در عین همراهی با مضامین تبلیغات و آموزه‌های دینی نسبت به نحوه اجرای تبلیغات و شناساندن احکام دینی منتقد بودند و به‌میزانی که افراد از تعلقات مذهبی فاصله می‌گرفتند علاوه بر عدم همراهی با مضامین یادشده، حوزه پوشش را محل مداخله سیاست و مذهب نمی‌دیدند (با توجه به طیف وسیع مذهبی‌ها، همه مذهبی‌ها را هم نمی‌توان موافق سیاست‌های قهری حوزه پوشش دانست) و معتقد بودند تاکید بیش از حد حجاب اسلامی بر وجوه جنسی منجر به ذهنیت ابژه‌ساز و سلب آزادی‌های مشروع از افراد شده است. با این وجود همه افراد در قبال سیاست حجاب اختیاری و عدم مداخله دولت تردید داشتند و معتقد بودند

با اجرای این سیاست شاید وضعیت بدتر از این شود اما بعضی از آن به‌عنوان دوران گذار یاد می‌کردند و معتقد بودند با واگذاری این حوزه به‌خود مردم بعد از مدتی تمایلات و نیازهای مردم در این زمینه متعادل خواهد شد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ غراب، ناصر الدین (۱۳۸۷)، «بدن و هویت»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۱۳، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- آزاد ارمکی، تقی؛ غراب، ناصر الدین (۱۳۸۹)، «جایگاه بدن در دین»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۱۸، ص ۱۱-۳۵.
- استراوس، انسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۶)، *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۸۹)، *حجاب شرعی در عصر پیامبر*، نشر الکترونیکی.
- حمیدی، نفیسه (۱۳۸۵)، «زندگی روزمره و بدن زنانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- رستمی، فاطمه (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه نوع پوشش و احساس امنیت زنان شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، فاطمه (۱۳۹۲)، *کشف حجاب: بازخوانی یک مداخله مدرن*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- ضمیران، محمد (۱۳۸۴)، *میشل فوکو: دانش و قدرت*، تهران: نشر هرمس.
- طالبی، سحر (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی تصور زنان نسبت به حجاب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- عرب، نصیبه (۱۳۹۱)، «الگوهای تفسیر قواعد فرهنگی (مطالعه شیوه‌های معنابخشی به پوشش)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
- علینقیان، شیوا (۱۳۹۰)، «نظریه پردازی مبنایی شناخت معانی و دلالت‌های حاکم برانتخاب انواع پوشش در میان زنان تهرانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- غلامی، علی (۱۳۹۳)، *مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر دانشگاه امام صادق
- فرجی، مهدی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۴)، «نگرش زنان به‌انواع پوشش‌های رایج». سازمان تبلیغات اسلامی.
- فرجی، مهدی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۹۰)، «پوشش و حجاب زنان ایران»، سازمان تبلیغات اسلامی.
- فرجی، مهدی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۹۳)، *فرهنگ پوشش و حجاب در زندگی روزمره زنان و پنج شهر بزرگ ایران (قم، تهران، اصفهان، اهواز، تبریز)*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- فوکو، میشل (۱۳۸۴)، *اراده به‌دانشستن*، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
- قنبری، سمیه (۱۳۸۵)، «تحول گفتمان حجاب در مطبوعات دهه هفتاد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لش، اسکات (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز.
- مجمع، شهره (۱۳۸۷)، «بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
- مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۰)، *زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن پوش*، ترجمه ملیحه مغازه‌ای، تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *مسئله حجاب*، تهران: انتشارات صدرا.
- هولمز، ماری (۱۳۹۱)، *جنسیت و زندگی روزمره*، ترجمه: محمدمهدی لیبی، تهران: نشر افکار
- Arvin, B. (1397) <http://Baharvin.ir/archives/>
- Siraj, Asifa (2011). "Meanings of modesty and hijab amongst muslim women in Glasgow. Scotland", *Gender, Place & Culture*, 18:6, 716-731.
- Wagner, Wolfgang; Sen, Ragini; Permanadeli, Risa; S Howarth, Caroline(2012). "The veil and muslim womans identity: Cultural pressures and resistance to stereotyping". *Journal of culture and psychology*,18(4) 521-54.